

دموکراسی برای ایران خودمختاری شورائی برای ترکمنستان ایران

سیستم حقوقی جمهوری اسلامی

حقوقی استعمارگران و امپریالیست‌ها بوده اند، اهمه معالیت خود را در دو جهت متمرکز کردند، اولاً در جهت زدودن تمام مظاهر و بقایای استعمار، امپریالیسم در عرصه اقتصادی و سیاسی جامعه و ثانیاً در جهت ایجاد جامعه ای دموکراتیک با رعایت حقوق و آزادی‌های دموکراتیک.

یکی از پدیده های جاری در دولت‌های ملی نو بنیاد، تغییر سیستم حقوقی آنهاست. بقیه در صفحه ۲

دوره تلاشی بیشتر استعماری و نیز افول امپریالیسم همواره با انقلابات و جنبش‌های ملی و دموکراتیک ملت‌های مستعمر همراه بوده است. این انقلابات و جنبشها نه اساساً ترکیب طبقاتی حوامع تحت سلطه استعمار و امپریالیسم را بهم زد مانند، ایجاد دولت‌های ملی را در پی خود داشته اند. این قبیل دولت‌های ملی نو بنیاد که سالیان دراز تحت نفوذ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و

جنگ ایران و عراق هشت ساله شد

در صبحدم اول مهرماه ۱۳۵۹، یعنی درست ۷ سال پیش، ایران از طرف عراق از چهار نقطه مختلف مورد حمله واقع شد. رادیو عراق مرتب از پیروزی ارتش عراق و پیشروی آن در درل خاک ایران خبر میداد. صدام حسین نه با آگاهی از اوضاع منشور ایران بعد از انقلاب نقشه جنگی "برق آسا" برای دست یافتن به پیروزی سریع را جیده بود، لحظه را جهت حل نهایی اختلافات دیرین مرزی و سیاسی خود با ایران و آزاد سازی بخش جنوبی ایران به کمک سلطنت طلبها، مناسب ارزیابی کرده بود؛ هر چند این جنگ "برق آسا" بعدها از طرف مطبوعات بین المللی "کندترین جنگ برق آسای تاریخ" نامیده شد.

اختلافات مرزی و به تبع آن برخوردهای سیاسی ایران و عراق تاریخی طولانی دارد. اولین نطقه منازعات مرزی بین دو کشور همسایه در سال ۱۸۲۳ میلادی بسته شد. در این دوره که عراق تحت اشغال امپراطوری عثمانی در آمده و به مستعمره این امپراطوری تبدیل شد، مسئله مرزی بر سر خط العرب بوجود آمد. در سال ۱۸۲۳، امپراطوری عثمانی در مقام قیم عراق غیرمستقیم موافقت حکومت ایران مرز بین ایران و عراق را خط العرب و خوزستان اعلام کرد. روابط ایران و امپراطوری عثمانی از این تاریخ به بعد تیرتر شد. بریتانیای کبیر که جای پای خود در منطقه محکم کرده بود، بمنظور حل اختلافات مرزی بقیه در صفحه ۵

فاریخچه مسئله ارضی در ترکمنستان ایران (قسمت دوم)

این عمل دو هدف را دنبال میکرد: اولاً، کل "املاک اختصاصی" به تعلق دولت در میامد و از دسترس صاحبان واقعی آن یعنی مردم خارج میشد، ثانیاً بسا اختصاص عواید ناشی از این املاک به صرفاً امور خیریه "چهره" مردمی از او در انتظار توده ها ترسیم میشد. از آنجا که دهقانان ترکمن بلا فاصله در پی سقوط رضا شاه، زمینهای زراعی خود بدولت واگذار کند. محمد رضا شاه با

از سال ۱۳۲۰ بیعد مسئله ارضی در ترکمنستان ایران تابعی بود از فعل و انفعالات سیاسی- اقتصادی کشور و روند استقرار دیکتاتوری محمد رضا شاهی. در سی ام شهریور ۱۳۲۰ بدنبال سقوط رضا شاه و ایجاد جوی نسبتاً دموکراتیک در جامعه، محمد رضا پهلوی وادار شد جهت فریب توده ها زمینهای غصبی یعنی "املاک اختصاصی" رضا شاه را موقتاً بدولت واگذار کند. محمد رضا شاه با

در این شماره :

بیستمین سالگرد شهادت چه گوارا در صفحه ۸

بررسی آثار ماغتیم قولی پراغی در صفحه ۱۲

آغاز سال تحصیلی جدید در صفحه ۱۴

اعتراض با خودسوزی در صفحه ۱۴

کنتراها علیه صلح در صفحه ۸

اخبار ترکمن صحرا در صفحه ۷

گیدیلینگ در صفحه ۱۳

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

سیستم حقوقی ...

قبل از اینکه این جوامع به زیر سلطه نفوذ کشورهای سگانه در آیند، خود دارای تاریخ، فرهنگ و نرم‌های جا افتاده‌ای بوده‌اند. با توجه به تاریخ و فرهنگ و بر اساس این نرم‌هاست که سیستم حقوقی جوامع فوق‌پس‌ریزی می‌شود. تسلط دولت بیگانه بر زندگی اجتماعی - سیاسی این جوامع، تحمیل سیستم حقوقی دولت‌های مسلط را بخواهد داشته‌است.

سیستم حقوقی حاکم در ایران دوره شاه، متأثر از سیستم‌های حقوقی کشورهای غربی چون فرانسه و بلژیک بود. البته نرم‌های جامعه ایران در تنظیم این سیستم حقوقی از نظر دور نیافتاده بود. با وقوع انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و سرنگونی رژیم شاه و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، ترکیب طبقاتی جامعه نیز دستخوش تغییرات اساسی گردید. حکومت برآمده از انقلاب که خود را مخالف هر نوع مظاهر و بقایای امپریالیستی موجود در جامعه مقلسداد می‌کرد، با ایجاد نهاد های دولتی خودبه تنظیم سیستم حقوقی جدید پرداخت.

آیت‌الله بهشتی، از یاران نزدیک آیت‌الله خمینی، «ماوریت تنظیم سیستم حقوقی جمهوری اسلامی نو بنیاد را به عهد گرفت. قانون اساسی جدید جمهوری اسلامی که توسط بهشتی و افراد در تدوین شده بود، در روزهای ۱۲ و ۱۳ آذر ۱۳۵۸ به رأی مردم گذاشته شد. این قانون اساسی غیرمسلح تحریم آن از طرف سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون، محصله کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، از رفتن نام گذشت. قانون اساسی جدید نه تنها «بین نهاد های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران» نیست، بلکه بر اساس اندیشه‌های اسلامی (شیعه) خمینی که در کتاب

"حکومت اسلامی" وی تدوین شده تنظیم گردید. هست، خمینی با تأیید قانون اساسی جدید، که در واقع عصاره اندیشه های حقوقی خود وی بود، هر نوع توهمی در باره تشکیل دولت ملی و ایجاد حقوق و آزادی های دموکراتیک را از بین برد.

برخی از سازمان‌ها و احزاب سیاسی اپوزیسیون که در مخالفت با قانون اساسی جدید دست به تظاهرات زده بودند، از طرف خمینی به عنوان "حزب شیطان" خطاب شدند. خمینی در یکی از سخنرانی‌های خود احزاب سیاسی را بدو دسته "حزب الله" و "حزب شیطان" تقسیم کرد. این اظهارات خمینی هشدار تکان دهنده‌ای بود به همه احزاب سیاسی اپوزیسیون موجود در جامعه ایران.

پس از آنکه آیت‌الله بهشتی از تدوین و تصویب قانون اساسی فراغت یافت، به تدوین و تنظیم حقوق جزای جمهوری اسلامی پرداخت. حقوق جزای جدید نیز علیرغم مخالفت سازمان‌ها و احزاب سیاسی اپوزیسیون از تصویب مجلس گذشت. خمینی اینبار نیز با گفتن "اگر کسی از شما بخواهد که قوانین غیر اسلامی بکار ببرد، به دهنش بزنید!" همه مخالفین حقوق جزای جدید را سر جای خود نشان داد.

حقوق جزای اسلامی با تصویب "قانون حدود و قصاص" بوسیله مجلس اسلامی و تأیید شورای نگهبان، در سوم شهریور ۱۳۶۱، آخرین قدم در جهت اسلامیزه کردن کامل سیستم حقوقی جمهوری اسلامی را برداشت. قانون حدود و قصاص با بیان، "قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد"، "خاطرات هولناک و رهاکننده میلیون‌ها کلبانی، قرون وسطی را در اذهان مردم زنده کرد. ماده ۱ قانون حدود و قصاص اعلام می‌دارد "قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیاء دم می‌توانند یا اذن

ولی مسلمین یا نماینده او قاتل را بسا رعایت شرایطی که خواهد آمد بقتل برسانند." این ماده هدفی جز ایجاد روحیه کینه ورزی، انتقام جویی و کشتن انسان‌ها به دست انسانها ندارد.

موسی، پیغمبر قوم بنی اسرائیل، در سال ۵۳۸ قبل از میلاد ضیق فرمانی از ده فرمان خود خطاب به پیروان خود می‌گوید: "تو نباید کسی را به قتل برسانی" و عیسی مسیح حدود ۱۹۶۵ سال پیش خطاب به یارانتر می‌گوید: "خدا می‌گوید، انتقام مال من است." یعنی بندگان نباید به قتل انتقام و انتقام کسی باشد. و خمینی، در سال ۱۹۸۷ میلادی یعنی حدود ۲۵۲۵ سال بعد از فرمان موسی، در قانون حدود و قصاص خطاب به "امت خود" می‌گوید: "تو باید دست کسی را که دست تو را قطع کرده است، قطع کنی؛ تو باید چشم کسی را که چشم تو را در آورده است در بیاوری؛ نزدیکی تو باید کسی را که ترا بقتل رسانده اند بقتل برسانند و ... (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به قانون حدود و قصاص)

در شرایطی که مدت‌هاست حقوق دانان بشر دست با تمام نیرو تلاش می‌ورزند تا با ریشه یابی انگیزه جرائم، مجرمان را برای بر گشت به جامعه و شروع زندگی جدیدی بدون ارتکاب جرم دیگری، یاری رسانند، جمهوری اسلامی معتقد است که تنها راه خشکاندن ریشه جرائم شلاق زدن، سنگسار کردن، قطع اعضا بدن، جنم در آوردن و شکن مجرمین است.

کیفر پدیده‌ای است اجتماعی و ریشه در جامعه دارد. در جوامعی که شروت عادلانه تقسیم شده، حقوق و آزادی‌های دموکراتیک محترم شمرده شد، مو انسانها زندگی صلح آمیزی داشته باشند، خود بخود ریشه اقتصادی - اجتماعی جرائم نیز خشکید، خواهد شد.

سیستم حقوقی ...

هفت هزار سال پیش، قوم سومر شده در بین النهرین زندگی می‌نمود، بسیاری با جرم مجرم را از بیس میرید و معتقد بودند با کشتن مثلاً سارق، دیگر پدید آمدن از بعنوان سرفرو بود و خواهد داشت. با گذشت حدود ۹ هزار سال از این تاریخ نه تنها پدید آمدن ناپدید شده میبوسا سارق دیگر نیز پسندید آمده اند. آنچه انسانها را به سارق تبدیل میکند نه تمایز آنها به سارق بودن بلکه ناپربریهای اقتصاد و احساسی و پیره است.

"قانون حدود و ضمانت" حبسی که حدود ۹ هزار سال بعد از حقوق جزای سومر ها تدوین شده است، در ماده ۲۱۸ خود اعلام میدارد: "حد سرق در مرحله اول قطع چهار انگشت راست سارق است از انتهای آن بصوری که انگشت نیست و کف دست او باقی بماند و در مرتبه دوم قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح وی باقی بماند و در مرتبه سوم سارق محکوم به حیرت می‌شود. در مرتبه چهارم اگر چه در زندان دزدی کند حدش اعدام است." چه دردناک است مشاهده چنین جملاتی که هر کلمه اشوبی خون و جنون می‌دهد در این ماده و مواد نظایر آن، انسان، این "اشرف مخلوقات"، چون بیکری گجسی را میباند که بیکر تراشان حقوق جزای اسلام، بدخواه هر نحوی از آن را با ارباب بیکر جدا می‌کند.

سال ۱۱۸۳ میلادی در تاریخ بشریت، بویژه تاریخ اروپا نقطه سیاهی است. در این سال اینگیزیسیون (تغییر) کلیسایی پا به عرصه وجود گذاشت. دوره اینگیزیسیون دوره وحشت اروپا بود. عاملین اینگیزیسیون به نام دین و خدا انسانها را زندانی.

شکنجه و اعدام می‌کردند. حتر شخصیت هایی چون جوردانو پرونو، که تن به پذیرش خرافات قرون وسطایی نداده و بی‌عگر در اشاعه علم و دانش ثابت قدم بودند، سه وسیله پیاده کنندگان اینگیزیسیون: بند، زند و سوزاندن شدند. اینگیزیسیون، تنها در اسپانیا در خنار سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ قریب ۱۰۰۰ نفر را صعده آتش کرد.

ایشان ما در سال ۱۹۸۷ میلادی سر مریخ، مدت ثبات که در بسیار از کشورهای ها نه تنها شکنجه بلکه اعدام انسانها نیز نغمه شده است. سازمانها بین المللی مختلف از تبیل غو بین الملل و مشاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، برای جلوگیری از تجاوز محاورین به حریم حقوق بشر تشکیل شده اند. حدود ۲۰ سال پیش شعبه خود را در ایران تأسیس کرده بود، بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، اجازه ورود به ایران را ندارد. این سازمان اخیراً در گزارش سالانه خود جمهوری اسلامی را در شمار ستنگرترین رژیم های جهان آورده و از این رژیم خواسته است دست از بازداشتی خود سرانه افراد، شکنجه و اعدام مخالفین بردارد و حقوق بشر را محترم شمارد.

سعید رجائی خراسانی، سفیر ایران در سازمان ملل در این رابطه می‌گوید: "ما تظاهر نمیکنیم که استانداردهای حقوق بشر را رعایت می‌کنیم، چرا که ما تصدیقات و تضادهایمان بر اساس اعلامیه حقوق بشری نیست. ما از منتقدین حسود می‌خواهیم که محکوم کردن ما را بسیاری نغز آن چه که قبول نداریم متوقف کنند." طبق گزارش غو بین الملل تنها در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ تعداد ۲۴۴۴ نفر در ایران اعدام شده اند. البته این رقم رسمی است و شمار واقعی اعدام شدگان به مراتب خیلی بیشتر از این تعداد

است. طبق آمار سازمانهای سیاسی ایززیسیون، تعداد اعدام شدگان قریب ۷۰ هزار نفر است. تعداد زندانیان سیاسی نیز حدود ۱۴۰ هزار نفر تخمین زده میشود. مردان افراد از خانه و خیابان و زندانی کردن آنها، شکنجه زندانبانان، بمبینه شلاق، کابل، شست، سوزاندن رنفاذ محتله بدر بمبینه سیگار، بخرن مسمیتر کجترارش در سلول های تنگ، اعدام های ساختر، تجاوز و ... به امری عادی در جمهوری نظام تبدیل شده است. گزارش ژنر ویزه سازمان سر در مورد ایران به " ۱۴ نوع شکنجه های فیزیکی و روانی که به زندانیان اعمار میشود " اشاره کرده است.

افرادى که از خسانه ها رسیده شده، مستقیماً به زندانها منتقل میشوند، حتی از اتهامات وارده اطلاع ندارند. هیچکس را نمیتوان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین میکند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلیل، بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود. متخلف از این اصول طبق قانون مجازات میشود! (اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلام ایران) رژیم جمهوری اسلامی چنان از موازین حقوقی و انسانی عدول کرده که حتر تحمل قانون اساسی صوبه خود را نیز ندارد، چه برسد به اینکه به اعتراضات مجامع بین المللی اشتنا کرده و موازین مورد قبول آنها در باره حقوق بشر را بپذیرد.

بازداشت شدگان بدینار تشکیل دادگاه های غیر علنی چند دقیقه ای بدون اینکه مجاز به استفاده از وکیل مدافع مسوده باشند، به حکم حاکم شرع محکوم به زندانهای ضویل المدت و حتر اعدام میشوند. مقولاتی چون تشکیل پرونده و رسیدگی به آن، اعتراض به احکام صادره، ارجاع آن به دیوان عالی کشور و فرجام خواهی، در سیستم حقوقی جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۱۱

تاریخچه...

را دو باره تصاحب کرده بودند، دیگر مسئله واگذاری این زمینها به دولت خود بخود منتفی بود.

رژیم پهلوی با توجه به این عکس العمل دهقانان و از نسوب گذاردن قانونی "راجیه دعاوی اشخاص نسبت به املاک واگذاری" در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۲۱ شکست صرح قبلی خود را به سبوت برگذار کرد. از نظر دولت این املاک هنوز رسماً به دولت تعلق داشت. صیق قانون جدید کسانیکه نسبت به "املاک اختصاصی" رضا شاه ادعای مالکیت داشتند، میباشد. یستی ظرف ششماه دعاوی خود را در هیئت های رسیدگی مطرح نموده باشند. این صرح نیز چیزی نبود جز مرحله دوم صرح عوامریبانه پیشین. ضراحان طرح مزبور بخوبی به این امر واقف بودند که با در نظر داشتن وضعیت ناپینجار رسانه های گروهی، عدم داشتن اطلاعات لازم حقوقی مردم، بویژه دهقانان با توجه به سطح بالای بیسوادی و بوروکراسی حاکم در جامعه، مهلت شش ماهه بهیچوجه کافی نخواهد بود. مزید بر آن در این صرح دعاوی افراد پیش بینی شده بود و بدعاوی دستجمعی رسیدگی نمی شد. کار گزاران رژیم شاهبا وقوف به سیستم زمینداری عمومی در ترکمنستان ایران و تعلق زمینهای زراعی به طوایف و نسه افراد مجزا، دست به تدوین قانون فوق زده بودند. دهقانان ترکمن جهت مقابله با این سیاست و خنثی کردن طرح دست به تشکیل شورای ریشسفیدان طوایف و روستاها زدند. شوراها از میان خود افراد معتمدی را به نمایندگی همه اعضا انتخاب کرده به سوی هیئت های رسیدگی اعزام کردند. اکنون هر یک از شوراهای نماینده مخصوص خود را داشت که بنام

خود نسبت به "املاک واگذاری" ادعای مالکیت بکنند. در جاهایی که دهقانان موفق به ایجاد شوراها نمی شوند، خود رأساً به هیئت های رسیدگی رجوع کرده دعاوی خود را مطرح میکنند. تعداد قبیلی از نمایندگان شوراها و دهقانان متعهد موفق می شود با اثبات حقایقت حویش زمینها را همچنان در دست داشته باشند.

هر چند از طرف "هیئت های رسیدگی" به اشخاص و صواب فوق سد های مالکیت صادر شد، ولی با بکارگیری ترفند های اداری و با این دستاویز که گویا سفاد دادنامه ها با سوابق ثبتی تصویق نمیکند بسیاری از اسناد مالکیت یاد شده، در دفتر ثبت اسناد و املاک وارد نشد و رسماً تا تاریخ ۱۳۲۸ به عنوان زمینهای خالصه جزو اموال دولتی محسوب میشوند. (۱)

نبود روابط طدی بین نهاد های دولتی و دهقانان ترکمن و عدم اعتماد و داشتن احساس بیگانگی آنها نسبت به این نهاد ها و نداشتن سند مالکیت، موجب شده بود که دهقانان علیرغم تصاحب زمین، از داشتن سند مالکیت همواره محروم باشند. ولی اندک افرادی که رابطه حسنه ای با نهاد های دولتی برقرار کرده و بسا ژاندارمری و مباشرین املاک اختصاصی همکاری نزدیکی داشتند، توانستند صاحب زمینهای مرغوبی شوند.

محمد رضا شاه در پی سرنوب جنبشهای ملی - دمکراتیک در آذربایجان و کردستان و نیز تلاشی حزب توده ایران در ترکمنستان ایران و اعلام غیر قانونی شدن تمامی تشکل های دمکراتیک کارگران و دهقانان و روزنامه های مترقی کشور، بهره گیری از ترور نافرجام ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و متمسک قرار دادن هبه نامه اصفهان (۲) نسبت قانونی در ۲۰ تیر ماه ۱۳۲۸ مبنی بر بازگشت

املاک و مستغلات اعطی حضرت شاهنشاه فقید به مالکیت اعطی حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی را به تصویب مجلس خود برساند. بموجب این قانون همه املاک اختصاصی - ایته در شهریور ۱۳۲۰ به دولت واگذار شده بود، دوباره به مالکیت خصوصی محمد رضا شاه در آمد. علاوه بر کلیه اراضی غصبی رضا خان در ترکمنستان ایران، حتی قرا و مساب این منصفه نیز از این قانون مستثنی نبود. وضع چنین قانونی و متعاقب آن یورش سازمان یافته ژاندارم های رژیم به روستاها، خشم عمومی خلق ترکمن را بر سر انگیخت. دهقانان در کنار آنها دیگر اقتدار مردمی مقاومت یکپارچه خود مانع تصرف زمینها توسط عمال رژیم شدند.

محمد رضا شاه با توجه به این اوضاع، جهت خنثی کردن مقاومت خلق ترکمن، در صدد اجرای سومین طرح خود برآمد. این طرح در سال ۱۳۲۹ تحت عنوان فرمان فروش زمینهای سلطنتی و اصلاحات ارضی شاهانه در ترکمنستان ایران اعلام گردید. آنچه که محمد رضا شاه را مجبور به عقب نشینی کرد:

اولاً، گسترش مقاومت مردم در قبال غصب مجدد زمینهای زراعی توسط رژیم و نافرجامی تلاش در جهت تحمیل نوعی از سیستم اریاب - رعیتی و ثانیاً، امپریالیسم به سبب کاهش بازارهایش برای صدور کالاهای خود بعد از جنگ جهانی دوم و تغییر و تحولاتی که در تناسب قوا در سطح بین المللی ایجاد شده بود و نیز با تشدید فروپاشی سیستم مستعمراتی، می بایست گذار از استعمار کهن به استعمار نو را در دستور کار خود قرار داد.

از این دوره به بعد امپریالیسم هدفمند تلاش ورزید تا مناسبات سرمایه داری رادری وسیعترین شکل خود در کشورهای تحت سلطه خویش، منجمله ایران پیاده کند. بقیه در صفحه ۱۰

جنگ ایران و ...

ایران و امپراطوری عثمانی، به سر راه امپراطوری روسیه کمسیون مشترکی مرکب از نمایندگان کشور های مزبور تشکیل داد. بر اساس قراردادی که این کمسیون در سال ۱۸۴۷ منعقد نمود، سطر انجرب بخشی از خاک عراق محسوب شده در قلمرو امپراطوری عثمانی قرار گرفت. این قرارداد نیز ماهیتاً با قرارداد ۱۸۳۳ میلادی تفاوتی نداشت و مسئله مرزی همچنان لاینحل باقی ماند.

در سال ۱۹۱۳ میلادی کمسیون دیگری مرتب از نمایندگان کشور های فوق تشکیل شده قرارداد دیگری، اینبار نیز با همان محتوای قبلی، بسته شد.

بدنبال استقلال عراق در سال ۱۹۲۱ میلادی و تغییر اوضاع سیاسی این کشور مسئله سطر العرب از حیطة امپراطوری عثمانی و چهار جوب دخالت بریتانیای کبیر خارج شده به مسئله ایران و عراق تبدیل شد.

در سال ۱۹۳۷ میلادی طی نشستی که نمایندگان دولتهای ایران و عراق داشته قرارداد جدیدی در رابطه با مسئله مرزی بین دو کشور منعقد شد. این قرارداد نیز به لحاظ مضمون خود تفاوت چندانی با قرارداد ۱۹۱۳ میلادی نداشت و در واقع قراردادی بود در تایید و تاکید آن قرارداد.

بعد از تغییر و تحولات سیاسی در عراق در سال ۱۹۵۸ میلادی و روی کار آمدن حزب بعث، اختلافات مرزی دوباره شدت گرفت. در این سال شامبا توجه به اجزاء نسبتاً متضخ عراق و بی ثباتی منضقه مرزی، ارتش خود را در مرز ایران و عراق متمرکز کرد. گذشت زمان نه تنها کنکی به حل منازعات مرزی نیکرد، بلکه ایسن منازعات هر چه بیشتر ریشه دو اندام مسئله حادث تر و حادث تر میشد. هر چند در ایسن شرایط بغیر از برخورد های کوچک مرزی، حادثه خاصی بین طرفین رخ نداد، ولی

جنگ سرد همچنان بر روابط دو کشور همسایه حاکم بود. شاه که دیگر اوضاع سیاسی ایران را تثبیت شده میدانست و به لحاظ نیروی نظامی نیز به یکی از بزرگترین قدرتهای منطقه، به عبارتی دیگر حتی به زاندارم منطقه تبدیل شده بود، در صدد آن برآمد که یکبار برای همیشه مسئله مرزی با عراق را حل کند. او بدنبال این تصمیم در سال ۱۹۶۹ میلادی قرارداد ۱۹۳۷ را بحاشیه طغر اعلام کرده و سلفاصله نیروی دریائی خود را در خلیج فارس سیج سرد. این بار نیز قسبه بدون حادثه حاضر سیرد شد.

دو سال بعد، یعنی در سال ۱۹۷۱ میلادی، شاه با استفاده از خسرو چ انگستان از خلیج فارس و سوئیش شرقی، سه جزیره ابو موسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را تصرف کرد. این عمل شاه برای دولت عراق که او نیز بنویه خود ادعای تصاحب این جزایر را داشت، غیر مترقبه بود. مدام حسین که از یکسو شاهد اشغال جزایر فوق و از طرف دیگر ناظر حمایت شاه از جنبش کردهای عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی بود، راهی جز تقویت و تجهیز ارتش خود نمیدید. دولتهای ایران و عراق با استفاده از منابع سرشار نفت، شروع به تجهیز ارتش های خود با سلاح های مدرن کردند.

کشور های منطقه و دیگر کشورهای صلح دوست که به حساسیت منطقه و به نفع ایران و عراق در منطقه واقف بودند بدنبال تلاشهای فراوان زمینه را جهت ملاقات شاه و صدام حسین (معاون وقت رئیس جمهوری عراق) در الجزیره فراهم ساختند. شاه و صدام حسین در سال ۱۹۷۵ میلادی در الجزیره بر سر انعقاد قرارداد مرزی به توافق رسیدند و آن را امضا نمودند. در این قرارداد تاکید شد که اختلافات دو کشور برای همیشه حل شود و هیچیک از طرفین ادعای آرضی

نسبت به یکدیگر نداشته امنیت مناطق مرزی را حفظ کنند. همچنین در این قرارداد روی عدم مداخله طرفین قرارداد در امور داخلی یکدیگر تاکید شد. بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره، سطر العرب بعنوان رود خانه مرزی هر دو کشور همجوار به رسمیت شناخته شد. شاه از این بخش ایرانی سطر العرب را آرئند. رود شامبا با انعقاد این قرارداد منقر میرسیدند. بالاخره منازعات مرزی ایران و عراق فیصله یافته است. لذا قرار داد سال ۱۹۷۵ الجزیره، نیز همانند قرار دادهای قبلی از ثبات کافی برخوردار نبود. همان گویه که تغییر و تحولات سیاسی ۱۹۵۸ میلادی در عراق این زمه را مهیا نمودی دولت نو بنیاد عراق قرارداد ۱۹۳۷ را به زیر علامت سوال ببرد و یا چند سال بعد با تثبیت قدرت شاه در ایران، قرار داد مزبور یکطرفه از جانب شاه ملغی اعلام شود، تغییر و تحولات ناشی از وقوع انقلاب ۱۹۷۹ ایران نیز اینبار قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را به مخاطره انداخت.

در واقع قرارداد های منعقد بین طرفین قرار داد، همواره دستخوش دگرگونیهای سیاسی دو کشور همسایه بوده است.

تلاش حزب الدعوة عراق جهت سرنگونی رژیم صدام حسین و ایجاد جمهوری اسلامی همانند جمهوری اسلامی ایران در عراق و حمایت همه جانبه دولت ایران از ایسن حزب و متعاقب آن اخراج ۳۰ هزار شیعه ایرانی الاصل عراقی از عراق و روابط دو کشور را تیره تر ساخت.

۱۶ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی، صدام حسین در پی نشست کابینه ای خود، با آگاهی از وضعیت ایران بعد از انقلاب، قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را ملغی اعلام کرد. او در صاحبه ای که با مجله آلمانی "اشپگل" بعمل آورده بود، گفته بود از آنجا که عراق در سال ۱۹۷۵ میلادی بلحاظ نیروی نظامی ضعیف بوده، مجبور شده تن

نابود باد جنگ، برقرار باد صلح

به انعقاد این قرارداد بدهد. اکنون طرف صدام حسین نه شاه، بلکه خمینی بود. خمینی دیگر صاحب ارتش، منظم سازمان بود. او سپاه پاسداران نوپنیا را در اختیار داشت. خمینی بعد از جنگ آوردن قدرت اعلام کرد که جمهوری اسلامی خواهان داشتن روابط مودت آمیز با همسایگان است و ایران دیگر نقش ژاندارم منصفه را نخواهد داشت. او حتی بجای خلیج فارس از "خلیج اسلامی" نام برد. صدام حسین نیز درقبال این اظهارات خمینی، پیشنهاد کرد که جمهوری اسلامی برای اثبات این حسن نیت، سه جزیره اشغالی ابو موسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را به انضمام نطق العربیه عراق واگذار کند. این پیشنهاد صدام از طرف دولت موقت بازگان سربرآورد شد.

شایان ذکر است که صدام حسین در سپتامبر ۱۹۷۸ میلادی، خمینی را کمزردیک ۱۵ سال در عراق بعنوان تبعیدی بسر میبرد، طبق توصیه شاه در محل اقامت مشترک تحت نظر گرفت. در اکتبر همان سال بود که خمینی توسط صدام حسین از عراق اخراج گردید. صدام حسین با انجام اینکار، عملاً خود را وارد حوادث ایران کرد.

از این تاریخ بیبعد بود که یسلسری بمب گذاریهایی در نهاد های دولتی عراق در منطقه آغاز شد و دیپلمات های عراقی مورد سوء قصد واقع شدند. بر اساس گزارش مطبوعات غربی، اولین برخورد مسلحانه مرزی بین رژیم بعثی و رژیم خمینی در سوم ژوئن ۱۹۸۰ میلادی صورت میگرفت. در این برخورد، طبق گزارش جمهوری اسلامی ۱۲۲ سرباز عراقی کشته می شوند. از تاریخ وقوع این برخورد تا شروع جنگ در ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰، بر خورد های پراکنده ای بین دو دولت همچنان جریان داشت.

خمینی با سخنرانیهای پی در پی خود و با دادن مژده به مستضعفان چپساز، پیرو به مسلمانان شیعه مذهبی عراق، مبنی بر ایجاد دنیای اسلامی، صدور انقلاب اسلامی و ایجاد جمهوری های اسلامی در سراسر جهان و حتی برقراری پرچم اسلام بر فراز کاج سفید و کرملین، اظهارات قبلی خود را بر برقراری روابط مودت آمیز با کشورهای دیگر، بخصوص کشورهای همسایه را فراموش کرده، خود را ناجی مسلمانان شیعه مذهب و مستضعفان جهان قلمداد میکرد. از طرف دیگر صدام حسین نیز خواب تصرف سه جزیره ابو موسی، تنب بزرگ و تنب کوچک و نطق العرب و جدا کردن حوزستان از ایران و تبدیل آن به عربستان را میدید. حتی صحبت از آن بود که صدام حسین طی دیدارهای متعددی که با ارتشبد اوسس، بختیار و دیگر سلطنت طلب ها داشته، وعده جدا کردن جنوب ایران از ایران و تشکیل "ایران آزاد" را داده بوده.

سقوط شاه و خروج ایران از پیمان سنتو و خاتمه ایفای نقش ژاندارم منطقه و ازهم گسستن شیرازه نظم ارتش ایران، این توهم را در صدام حسین ایجاد کرد، که شاید بتوان جای این کشور از رده خارج شده را در منطقه گرفت و عراق را به پر قدرت ترین کشور منطقه تبدیل نمود. بدیهی است که این آرزوهای متضاد، دیر یا زود، میبایستی در نقطه ای تلاقی میکردند. اوضاع متشنج و بی ثبات جامعه ایران و کشاکش های درون حاکمیت، ضعف و از همپاشیدگی ارتش، ایزوله شدن جمهوری اسلامی در پی ماجرای گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران در محصله بین المللی و غیره زمینه یورش صدام حسین به ایران را فراهم ساخت.

xxx xxx

جنگ اکنون وارد هشتمین سال خود شده است. تویها همچنان میفرند؛ بنب افکن ها بعب بر سر انسانها نسر و میریزند؛ موشکها در دل جمعیت منفجر می شوند؛ مدارس و بیمارستانها ببه تلس از خاکستر تبدیل میشوند و ...

با گذشت هفت سال از وقوع جنگ نه تنها هنوز کوچکترین قدمی در راه ایجاد آتش بس و برقراری صلح و خاتمه دادن به کشاکش اندامهای بیگناه برداشته نشده، بلکه به مرور زمان بر شدت جنگ نیسز افزوده شده و دامنه آن بتدریج گسترده و گسترده تر میشود. بگونه ای که اکنون مسئله جنگ ایران و عراق از محدوده این دو کشور خارج شده و ابعاد بین المللی بهود گرفته است. حضور وسیع نظامی آمریکا در خلیج فارس و ملحق شدن کشورهای فرانسه، انگلستان، ایتالیا به آمریکا مؤید این نظر است. کشورهای آلمان فدرال و ژاپن نیز در راهند تا به این جمع ملحق شوند. از طرف دیگر شوروی نیز با حضور خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند ناظر اینهمه نقل و انتقالات و تجمع بی سابقه کشورهای امپریالیستی در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس است.

دولت آمریکا با پذیرش پیشنهاد دولت کویت جهت عبور نفت کسهای این دولت از تنگه هرمز با پرچم ایالات متحد آمریکا، به حضور نظامی خود در خلیج فارس جنبه "قانونی" داد. آمریکا سپر بسا مستحک قرار دادن بمباران ناو جنگی "استارک" از طرف عراق مستقیماً وارد مسئله جنگ ایران و عراق شده با سرعت سرسام آوری به تمرکز نیروهای نظامی خود در خلیج فارس پرداخت. تاکنون ۲ فروند ناو جنگی آمریکائی در خلیج فارس لنگر انداخته اند. همچنین نزدیک به ۴۰ فروند ناو جنگی دیگر که متعلق به کشورهای

اخبار ترکمن صحرا

دامن زدن رژیم ولایت فقیه به اختلافات مذهبی

بدنبال کشتن شدن عده زیادی از زوار ایرانی در جریان تظاهرات در مکه، رادیو گرگان در برنامه ترکمنی خود هر از چند گاهی صاحبی ای با آخوند های ترکمن راه می اندازد. مصاحبه کننده سعی میکند آخوند های ترکمن را وادار به موضع گیری خصمانه علیه " وهابی " ها بکند. لازم به تذکر است که وهابی ها عده مسلمانان عربستان سعودی را تشکیل میدهند. آخوند های ترکمن طرف صاحبی با آگاهی از این امر که آخوند های وهابی در ترکمن صحرا از نفوذ قابل توجهی برخوردارند، اکثرا با دادن مانور هایی از دادن جوابهای صریح طفره رفته و با کلی گوئی هایی سرو ته صاحبی را بهم می آورند. مثلا یکی از این آخوند ها در پاسخ مصاحبه گر گفته است: هر کس به هر فرد مسلمان بگوید کافر، طبق موازین شریعت گناهکار است. یا یکی دیگر از آخوند ها گفته است: ایجاد تفرقه در میان مسلمانان گناه محسوب میشود!

کتابخانه یا پایگاه بسیج؟

اخیرا رژیم خمینی دست به احداث یکسری کتابخانه در منطقه زده است. هدف از این کار " اشاعه اندیشه های انقلاب اسلامی "، " تقویت روحیه شهادت طلبی " و آماده سازی جوانان و نوجوانان برای اعزام به جبهه های جنگ است. کتابخانه های مزبور در واقع پایگاه های بسیج است که با توجه به جو منطقه و روحیه ضد رژیم حاکم در آنجا، جمهوری اسلامی را وامیدارد تا از طریق پوششهایی چون کتابخانه و غیره وارد شود. در ضمن گردانندگان این " کتابخانه ها " کار

خود را با سپاسی علیه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و تحریف جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن آغاز کرده اند.

رشوه یا اعزام به جبهه؟

با ادامه جنگ خاندان سوز ایران و عراق و قربانی شدن گروه گروه از جوانان ترکمنستان ایران، فرار از جبهه ها و عدم معرفی مشمولین در منطقه به امری عادی تبدیل شده است. ارگانهای سرکوب رژیم در شهرها و ژاندارمری در روستا ها در بدر بدنبال مشمولینی هستند که از معرفی خود سر باز میزنند. در صورت عدم دسترسی به مشمولین، افراد خانواده آنها را به گروگان میگیرند تا مشمولان فراری مجبور به معرفی خود گردند. با توجه به این وضعیت، مردم منطقه انحاء مختلف سعی در معافیت فرزندانشان خود از خدمت سربازی و یا حداقل به تعویق انداختن آن دارند. یکی از اشکالی که بدین منظور وسیعا مورد استفاده مردم قرار میگیرد دادن رشوه های کلان به مامورین میباشد. میزان رشوه از ۱۵۰ هزار تا ۳۰۰ هزار تومان در نیمان است. در این بیسی بعضی از افراد کلاش نقش واسطه گری را بین مامورین و خانواده های مشمولین بازی کرده و پول های کلانی به جیب میزنند.

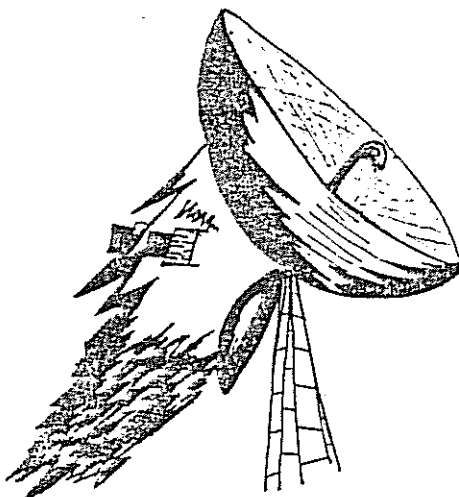
داوطلب اجباری!

اخیرا به تمام مدارس منطقه بخشنامه شده، معلمینی که از " داوطلب " شدن جهت اعزام به جبهه ها سر باز میزنند، باید از مدارس اخراج شوند. بدین ترتیب رژیم در مقابل معلمین دو راه گذاشته

است: یا قبول " داوطلبی " برای جبهه های بی بازگشت و یا تن دادن به اخراج و تقبل دوره پر درد بیکاری بدون کمترین درآمد به همراه همسر و فرزندانشان خود.

استراق سمع به شیوه جمهوری اسلامی!

اخیرا در کنبه شایعه شده که گویا سپاه پاسداران یکسری دستگاههای گیرنده قوی از ژاپن وارد کرده و نصب آنها در اتومبیل های گشتی به استراق سمع در کوچه و پس کوچه ها می پردازد. این دستگاهها گویا از چنان گیرنده ای برخوردارند که میتوان از طریق آن صحبت های افراد یک خانواده را ضبط نموده و محل آن را کشف کرد! اهالی کنبه معتقدند که این شایعه ساخته و پرداخته مرکز شایعه پراکنسی خود رژیم است. بهرحال این شایعه پراکنی نیز نتوانست مانع ادامه بحثهای ضد رژیم مردم در محافل دوستانه و گرد همایی های خوشاوندی شود.



بیستمین سالگرد شهادت

چه گوآرا

هشتم اکتبر برابر با بیستمین سالگرد شهادت انقلابی کبیر، چه گوآرا بود. چه گوآرا یکی از چهره های بیاد ماندنی در تاریخ مبارزاتی خلقهای جهان علیه امپریالیسم است و نام او همچون ستاره ای درخشان بر تارک مبارزات رهائی بخش می درخشد.

چه گوآرا در ۱۴ ژوئن سال ۱۹۲۸ در آرژانتین دیده به جهان گشود، او مبارزات خود را از دوران دانشجویی در دانشکده بوئنوس آیرس آغاز کرد و مطالعات و تحقیقات خود را با سفر به کشورهای آمریکا لاتین شروع کرد. چه گوآرا دریکی از سفرهای تحقیقی خود به گواتمالا بسا گروهی از کوبایی های تبعیدی کسه پایه گذاران "جنبش ۲۶ ژوئیه" بودند آشنا گردید و چند ماه بعد به همراه گروه ۸۲ نفره فیدل کاسترو عازم کوبا گردیدند و نقش برجسته ای در جنگهای منطقه کوهستانی سیرا - ماسترا بعهده گرفت و یزودی با نشان دادن قابلیتها و استعداد های خود به یکی از رهبران اصلی انقلاب کوبا تبدیل گردید.

با پیروزی انقلاب اول ژانویه ۱۹۵۹ کوبا، بدنبال مبارزه ای سرشار از فداکاریها و بهای محرومیت ها و قربانیان فسراوان، زنجیر ستم امپریالیستی در آمریکای لاتین از هم گسیخته شد. چه گوآرا در این درخشانترین رویداد تاریخ آمریکای لاتین که نه فقط پایانی برای دیکتاتوری خونین باتیستا بود، بلکه سرآغاز پایان هر نسوع ستگری و استثمار در کوبا بود، نقش برجسته ای ایفا نمود. بعد از انقلاب کوبا، چه گوآرا عهده دار وظایف مهمی گردید و در عین حال پیشبرد اصلاحات ارضی در کوبا نیز بعهده او واگذار شد. چه گوآرا این وظیفه خطیر را در کشوریکه

لاتیفوندیهای بین المللی تمامی زمین آن را در چنگ خود داشت، با انعطاف کامل و در کوتاهترین دوره به فرجام رساند. چه گوآرا در سال ۱۹۶۵ کوبا را ترک و به ویتنام و کنگو سفر کرد و با اوج گیری جنبش رهایی بخش در بولیوی در سال ۱۹۶۷ به این جنبش پیوست. با ورود گروه پارتیزانی چه گوآرا به خاک بولیوی، ارتش بولیوی به همراه مستشاران آمریکائی اش سراسیمه بسیج شدند. آنها با تمامی امکانات در جستجوی چه گوآرا و گروه رزمنده او برآمدند و بالاخره در هشتم اکتبر ۱۹۶۷، چه گوآرا و یارانش به محاصره نیروهای نظامی بولیوی در آمدند و در یک چنگ نابرابر چه گوآرا زخمی و بدست آنها تیر باران گردید.

بدین ترتیب قلبی پر شور که تمامی هستی خود را فدای رهایی خلقها کرده بود بدست کسانی که از او بهمان خاطر، کینه ای حیوانی بدل گرفته بودند، بساز ایستاد. مرگ چه گوآرا تمامی خلقهای آمریکای لاتین و جهان را در ماتی عمیق فرو برد. اکنون هر سال در سالگرد شهادت او در هر گوشه دنیا، بخصوص در آمریکای لاتین یاد او را گرامی میدارند و خدومات و فداکاریهایش را ارج میگذارند.

چه گوآرا اکنون میتوان در وجود هر مبارزی در آمریکای لاتین و تمامی مبارزین راه استقلال و آزادی زنده دید، افکار و آرزوهای انقلابی او جهت خوشبختی و رهایی انسانها هرچه بیشتر گسترش مییابد چه گوآرا نه تنها بدعتی بزرگ در مبارزه خستگی ناپذیر و فداکارانه با دشمنان خلق از خود برجای گذاشته، بلکه آموزشها و تجربیات گرانبغدی از او برای جنبش چریکی در آمریکای لاتین و سایر نقاط جهان بیادگار مانده است.

•••

کنترها علیه صلح

ضد انقلابیون کنترها که رسماً از جانب آمریکا حمایت میشوند، روز ۱۷ اکتبر حملات وسیعی را جهت از بین بردن پستل استراتژیکی واقع در ۲۰۰ کیلومتری شرق ماناگوا، پایتخت نیکاراگوئه، آغاز کردند. در این حمله که تحت فرماندهی "کماندوی خورخه سالازار" تدارک دینده شده، حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند. ضد انقلابیون علاوه بر نابودی پستل مزبور قصد داشتند چهار روستای آن منطقه را نیز اشغال کرده و از آنجا عملیات نظامی خود علیه ماناگوا را سازماندهی کنند. طبق گزارش خبرنگاران خارجی، سرسازان نیکاراگوئه ای به موقع حملات ضد انقلابیون را خنثی کرده و ۹۰ تن از آنها را به هلاکت می رسانند. حدود ۴۰ نفر از سرسازان نیکاراگوئه نیز در این درگیری، که در واقع بزرگترین درگیری دو سال اخیر بین ضد انقلابیون کنترها و نیروهای مسلح نیکاراگوئه بوده است، کشته میشوند. ضد انقلابیون کنترها و دولت آمریکا سعی میکنند با وارد آوردن فشار به نیکاراگوئه ایمن کشور را مجبور به نشستن پشت میز مذاکره بکنند. دولت نیکاراگوئه تاکنون هر نسوع مذاکره با ضد انقلابیون کنترها را رد کرده است.

از طرف دیگر یورش ضد انقلابیون درست زمانی صورت میگیرد که آریاس رئیس جمهوری کوستاریکا، یکی از طراحان اصلی پیمان صلح کشورهای آمریکای مرکزی، بجنوان برنده جایزه صلح اعلام میشود. پیمان صلح که بیسیله رؤسای جمهوری پنج کشور نیکاراگوئه، کوستاریکا، گواتمالا، السالوادور و هندوراس به امضا رسیده بود، قرار است ۹ نوامبر به مرحله اجرا درآید.

جنگ ...

های فرانسه، انگلستان، ایتالیا هستند، در خلیج فارس حضور دارند.

بدین ترتیب، آمریکا که از مدت‌ها قبل جهت حضور خود در منطقه دست‌په‌شکلی نیروهای واکنش‌سریع و فعال کردن پایگاه‌های نظامی خود در دیکومارسیا و عمان و ... زده بود، توانست به این آرزوی دیرینه خود، جهت حضور در خلیج فارس و کنترل منطقه جامه عمل بپوشاند.

در رابطه با بمباران کشتی "استارک" از طرف عراق میتوان از این نقشه نظر حرکت کرد که هدف صدام حسین از بمباران آن، ایجاد این توهم در کالج سفید نشینان بود که گویا "استارک" نه از طرف عراق بلکه از طرف ایران مسورد حمله واقع شده است. اگر دولت آمریکا در شناخت هویت هواپیمای حمله‌کننده به "استارک" دچار کوچکترین اشتباهی میشد، میتوانست حادثه به فاجعه‌ای تبدیل شود. قضیه با عذرخواهی رسمی دولت عراق از آمریکا فیصله یافت. در این رابطه بود که آمریکا ضمن اخطار به رژیم خمینی، به فرماندهان رزمناوهای خود در خلیج فارس دستور گشودن آتش بسوی هر حمله‌کننده‌ای را صادر کرد. از این پس بعد تشنج منطقه به نقطه اوج خود رسید و رزمناوها و ناوهای هواپیمای آمریکایی بحالت آماده باش درآمد و هر آن‌قدر بودند پاسخ هر حمله را با تمام قوا بدهند.

صدام حسین که با تظاهر به خاتمه جنگ و برقراری صلح، در سطح بین‌المللی از خود جبره نسبتاً صلح‌دوستی ارائه داده بود، به این امر واقف بود که شریان اقتصاد رژیم خمینی و منبع تأمین هزینه سرسام‌آور جنگ، نفت ایران است. طبیعی بود که قطع این شریان میتوانست جمهوری اسلامی را به لحاظ اقتصادی به زانو در آورده و تحرك عملیاتی آن در جنگ را بشدت تقلیل دهد. در تعقیب این سیاست

بود که صدام حسین دستور حمله به نفت‌کشهای در حال عبور از تنگه هرمز را داد.

جمهوری اسلامی نیز در مقام تلافی حمله متقابل به نفتکشها را آغاز کرد. بدین ترتیب "جنگ نفتکشها" آغاز شد. اولین سره‌کاری که رژیم صدام حسین به اقتصاد رژیم خمینی وارد ساخت، بمباران جزیره سیری بود. جزیره سیری که در قسمت شرقی خلیج فارس قرار دارد، بنظر می‌رسید که از تیررس عراقی‌ها باشد. جمهوری اسلامی بدینار بمباران خارک، تسخیر گرفته بود که بگمت نفتکشهای تریه، نفت لازم را از منطقه جنگی خارج کرده به جزیره سیری منتقل کند. دولت ژاپن که یکی از بزرگترین خریداران نفت ایران است، نفت مورد نیاز خود از ایران را از جزیره سیری تهیه میکرد. اکنون حتی این جزیره دور افتاده نیز از دسترس بمب افکنهای عراقی دور نبودند. "جنگ نفتکشها" بجز افزایش نرخ بیمه نفتکشها و درآمد هنگفت انحصارات بین‌المللی بیمه از این طریق، در واقع اختلال جندانی در نقل و انتقالات نفت ایجاد نکرد. پیامد حمله عراق به خارک و سیری برای جمهوری اسلامی خوشایند نبود. بدینال این حمله‌ها بود که درآمد نفتی ایران از حدود ۲۰ میلیارد دلار متقرباً ۱۰ میلیارد دلار در سال سقوط کرد. در صورتیکه نفت عراق از طریق لوله‌های نفتی عراق - ترکیه و عراق - عربستان سعودی بدون کوچکترین مزاحمتی جریان داشت، هر چند دولت عراق علاوه بر درآمد نفتی خود از کشورهای عربی نیز کمک‌های بی‌وقفای دریافت میکند، ولی هزینه سرسام‌آور جنگ، تاکنون بدهی تقریباً ۵۰ میلیارد دلاری را روی دست این دولت گذاشته است. در مقابل بدهی رژیم خمینی حدود ۱۰ میلیارد دلار تخمین

زده میشود. ظرفین درگیر جنگ ماهانه بظور متوسط يك میلیارد دلار صرف جنگ میکنند. با يك میلیارد دلار در ماه میتوان برای قریب به ۵ میلیون بیکار ایرانی کار ایجاد کرد و خانه و زندگی برای حدود ۳ میلیون آواره جنگی تدارک دید. جنگ ایران و عراق تاکنون بیش از يك میلیون انسان را به گام خود کشید و نزدیک به يك میلیون نفر زخمی و معلول بر سر حای گذاشته است. تعداد اسرای جنگی و نا-بدید شدگان ایران حدود ۱۰ هزار نفر تخمین زده میشود. کی این جنگ پرتلفات که بلحاظ کاربرد تاکتیک‌های جنگی و شکل جنگ به جنگ جهانی اول میماند، بنقضه پایان خود خواهد رسید، هنوز روزنه امیدی دیده نمیشود.

سفر پرزد کویاری، دبیر کل سازمان ملل متحد به تهران و دیدارش با مقامات جمهوری اسلامی نیز تغییری در وضعیت جنگ ایجاد نکرد. است. این دومین سفر پرزد کویاری به تهران و دومین تلاش در جهت برقراری آتش‌بس بین دو رژیم متخاصم است. سفر پرزد کویاری به تهران و سپس بغداد نتیجه مطلوبی بدست نداد. خامنه‌ای در مقام پاسخگویی به پرزد کویاری که در مذاکرات خود با رهبران رژیم جمهوری اسلامی به طنزنامه ۵۹۸ شورای امنیت استناد می‌کرد، چنین گفت: تنها فرمولی که میتواند مورد قبول ملت ایران قرارگیرد چیزی است که در آن تنبیه متجاوز پیش‌بینی شده باشد. خامنه‌ای محاکمه صدام حسین و دیگر رهبران رژیم عراق را بشیوه محاکمه فاشیست‌ها در دادگاه نورنبرگ طلب می‌کرد. امری که در واقع محال بنظر میرسد. شورای امنیت سازمان ملل متحد طبق بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، دبیر کل سازمان ملل را موظف میکند تا از طریق تشکیل يك هیئت بیطرف، بررسی و تحقیق بعمل آورده مسئولیت درگیری با چه کسی بوده است.

تلاش در پیبر کلمه‌ها زمان ملز متحد با استناد به بند فوق، که در نهایت احتیاطاً ابهام نوشته شده، جنداب پارا ورنیود. اینسکه در نهایت سازمان ملز متحد بتواند نقش میاجری صلح را بازی کرده و موفق بسه برقراری آتسرس بین صرفین درگیر گردد، حای تردید هست.

دولت آمریکا که اولین دولتی بود که رسماً سفر پرز دولتیار به تهران و بغداد را در رابطه با برقراری آتسرس، تا موفق اعزام نرده بود، با حمله به کشتی "ایران اجر" و کشتن ۴ تن از سرنشینان آن و مغارت گرفتن بغیه سرنشینان، دور جدید تشنج خلیج فارس را آغاز کرد. دولت آمریکا معتقد است که "ایران اجر" را در حال مین گذاری غافلگیر کرده است. مین های ایرانی صادره شده توسط نیروی دریایی آمریکا، در مقابل خبرنگاران خارجی بسه معروض نمایشگر داده شده و این برگر و وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، که در زمان وقوع حادثه از کشورهای عربی خلیج فارس دیدار میکرد، بلافاصله در محل وقوع حادثه حاضر شده و اعلام کرد که "پایان جنگ ایران و عراق فقط با تغییر رژیم تهران منس است."

سرمداران جمهوری اسلامی در قبال این عمل دولت آمریکا، اعلام کرده اند که جواب دندان شکنی به آمریکاها داده اند و از آنها انتقام خواهند گرفت. اینکه این انتقام به چه نحو ستانده خواهد شد وجه پیامدی در منطقه و نیز در صحنه سیاست بین المللی خواهد داشت، جای تامل دار. جمهوری اسلامی بنا به اظهارات سرداران خود، خود را در "حال جنگ" بسا آمریکا مرداند.

ایالات متحده آمریکا که موقعیت خود در منطقه خلیج فارس را تثبیت شده تلقسی میکند، جهت حفظ این موقعیت تن بسه هر نوع ماجراجویی در این منطقه خواهد

داد. امیرالیسم آمریکا به زبان رسگان معتقد است که "حناچه در زمینه حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس، محدودیت قایل نسیم، این امر ایفد رتسهای دیگر را به گرفتن جای آمریکا در آن منطقه تشویق خواهد کرد."

حنگ حانماسوز ایران - عراق بدینراز پرکنشته ترس و پیر هزینه ترس، هنگ های دهه های اخیر است. هنوز هم ما تنه شدت و حدت خود ادامه دارد، موجات ادعاهای آنحنا سر رسگان ها را فراخ ساخته است. امید که این هنگ ۹ ساله نبود.

فاریخچه ...

ایران نیز همچون دیگر کشورهای تحت نفوذ امیرالیسم، بویژه امیرالیسم آمریکا، در دستور مطالعه و بررسی امکانات کشاورزی و دست زدن به اصلاحات ارضی از بالا قرار گرفت.

اواخر دهه سی در ایران مناطقی چون خوزستان، قزوین، دشت مغان، گیلان و ترکمنستان ایران از طرف امیرالیسم آمریکا بعنوان قصب های قابل سرمایه گذاری کشاورزی شناخته شد. این مناطق که در مجموع شامل ۴۳۴۰۷۰۰ هکتار بسود، میبایستی دارای خصوصیات زیر میبودند:

- (۱) حاصلخیزی خاک (۲) مساحت کافی
- (۳) دشت صاف و هموار (۴) شرایط اقلیمی مناسب در فصول مختلف سال (۵) ارتفاع مناسب برای پمپاژ آب با توجه به کمی هزینه آن (۶) وجود کافی آب شیرین

همچنین عدم وجود سیستم آریاب - رعیتی ریشه دار در این مناطق یکی دیسگراز فاشورهای بود که رژیم به لحاظ سیاسی روی آن حساب میکرد. این فاکتور این امکان را به رژیم شاه میداد که حتی المقدور کمتر با فتودالها برخورد داشته باشد و نسیمز

بتواند با آنها از در سازش درآمده قدرت مانور و حدود امکاناتشان را محدود تر کنه.

ترکمنستان ایران با در نظر گرفتن فاشورهای یاد شده فوق، از حمله مناطق ایخه و آسی بود که همه شرایط را یکجا دارا بود، عدم وجود سیستم آریاب - رعیتی در این منطقه اجرای سیاست اصلاحات ارضی ساخانه را تسهیل مکنند.

ثالثاً، در این ایام بود که سراسر ترکمنستان ایران شاهد تئینفات انحصارات ماشین آلات کشاورزی خارجی و ایجاد شعبات آنها در شهرهای مختلف بود. با توجه به زمینه مساعد کشت ماشینی و وسعت اراضی این منطقه، هر یک از انحصارات دریی بچنگ آوردن بازار فروش برآمده بودند.

رامعا، با ورود ماشین آلات کشاورزی به ترکمنستان ایران در نیمه دوم دهه ۳۰ و نصب پمپهای موتوری بر روی رودخانه های کرگان و ترک از سال ۱۳۲۷، کشت پنبه در این منطقه به میزان قابل ملاحظه ای افزایش یافت. سود های سرشار ناشی از کشت پنبه، نظر بورژوا - ملاکان مرکز و مقامات لشگری و کنسولی را به سوی ترکمنستان ایران جلب کرد. آنها هر یک بنبوه خود مجدانه تلاش میکردند تا سهمی از این خون بریابند.

مجموعه این عوامل باعث شد که محمد رضا شاه با نقتر خشن ابتدایی ترین حقوق خلق ترکمن و سلب اجباری مالکیت دهقانان بر زمینهایشان، فرمان ۱۳۲۹ مبنی بر فروش و تقسیم اراضی ترکمن صحرا را صادر نماید. لذا این طرح نیز با مقاومت دهقانان مواجه شد، چون محمد رضا شاه هیچگاه زمین در ترکمنستان ایران نداشت تا اقدام به فروش یا تقسیم آن بکند. از سوی دیگر این اقدام شاه صادف بود با زمان روی کار آمدن دکتر صدق و جنبش ملی بقیه در صفحه ۱۳

بررسی آثار...

دشمنان به چه تاختیک‌های جنگی دست یازیده و چه نوع مسایل حریفی بکار می‌برند. ماغیم قوئی از ابزارهای چون شمشیر، نیزه و نیزه و کمان اسم میبرد که در واقع مسایل دفاعی ترکمن‌ها در مقابل یورش‌های بیگانگان بود. **هفته شعر** شعری که شاعر در سوگ جاودورخان تحت عنوان "زار لار ایچینده" م‌سراید، با اشاره به کمان معروف اصفهان، خطاب به او می‌گوید:

"نمه سید اتدی ایسیجان یاییگه"
نعره! اوئنگر - آردی بیینیمز" نیز در این رابطه سروده شده است:

"اؤچ مۆنگ نایزا بازی باردئر نؤیورن،
تؤرت مۆنگ بیلداری بار، قالا بیگاردان...
اشعار ماغیم قوئی در بالا بردن روحیه مبارزاتی توده‌ها، بویژه در مبارزات رهایی بخش خلق ترکمن در نیمه دوم قرن نوزدهم نقش بسزایی داشت. در دوره بعد از ماغیم قوئی نیز شاکردان بنام او چون سیدی زلیلی و کیمینه در رد قاطع تفرقه و چند دستگی موجود در میان مردم و در لزوم مبارزه آنها برای هدفی واحد و مشترک، بویژه در شرایطی که خلق ترکمن بلا انقطاع آماج یورش‌های خونین متجاوزین بود، اشعار حماسی سروده‌مانند زلیلی شاعر و مبارز خلق ترکمن که خود از نزدیک شاهد بدبختی‌ها و دریدرس‌های مردم بود، می‌گوید:

حایب، آبات ایل لیریرت بی بات بؤلدی
دوستلار قامغین بؤلدی، دشمنان شات بؤلدی،
آیریلیندی، آنتنا یارلار یات بؤلدی،
کؤنکؤل آرزو ایلار واتانیم سینی.
زلیلی در نامه‌ای که خطاب به دوست خود سیدی، شاعر رزمنده خلق ترکمن مینویسد، با اشاره به حملات متوالی متجاوزین "ریزقنی ساغدان - سولدان تاپینیب"، با مشاهده دردناک اسارت و بردگی افراد بیگناه در بطن سرزمین خود بوسیله متجاوزین

و بسه خانوخون کسیده شدن سراسر مصفحه چنین می‌گوید:

"سیرینگ ایترسی باریدیر تاخرانه،
قایراسی بونیدئر حیوا سیدی!
یوقارسی یؤلؤتن، آخاسی دنگیز،

پشترادی ایز بویلی آرا سیدی!
سیدی، شاعر و مبارز نامدار، که خود نیز در مبارزه علیه امپراتورخانه روسیه شرکت کرده بود، خطاب به دیگر مبارزان ترکمن می‌گوید:

"تته سالتئر ساریق، قارا بشوؤز،
بیر اوتوریب، ایینه تئزالی بگه لر،

سیدی نه ندنیاز جنگ و گریزهای بی‌وقفه مجبور به حفر و صل میسود، با احساس درد غمناک و عشق به وطن چنین می‌گوید:

"تاؤنوجات، اؤستیزیدن اؤتندن،
گرسنگ گریگ سنی سؤزاب، حوشرابندی."

ماغیم قوئی، مبارز و شاعر بزرگ خلق ترکمن سراسر عمر خود را در پی کار علیه متجاوزین و ستمگران سپری کرد. او آینده‌های استقلال طلبانه و آزادخواهانه خویش را استادانه در قالب اشعار ریخت و چون حربه‌ای برآ علیه دشمنان خلق خویش بکار بست. شاعر همیشه در آرزوی استقلال سرزمین خلق ترکمن و تشکیل دولت ملی آن بود. لذا از تاریخ تقسیم ترکمنستان، در سال ۱۸۸۱ میلادی، بین روسیه تزاری و ایران و جملت ترکمن‌ها به دو کشور همسایه، سرنوشته سیاسی این خلق نیز در دو جهت مختلف سیر می‌کند. بدنیاز وقوع انقلاب کبیر اکثر در روسیه و تشکیل جمهوری سوسیالیستی ترکمنستان شوروی، "عاجاب ایامی" که ماغیم قوئی در اشعارش بدان اشاره می‌کند فرا رسید. و "کؤزل ایلی" که وی در آرزوی آن بود، در این سرزمین شکل می‌گیرد.

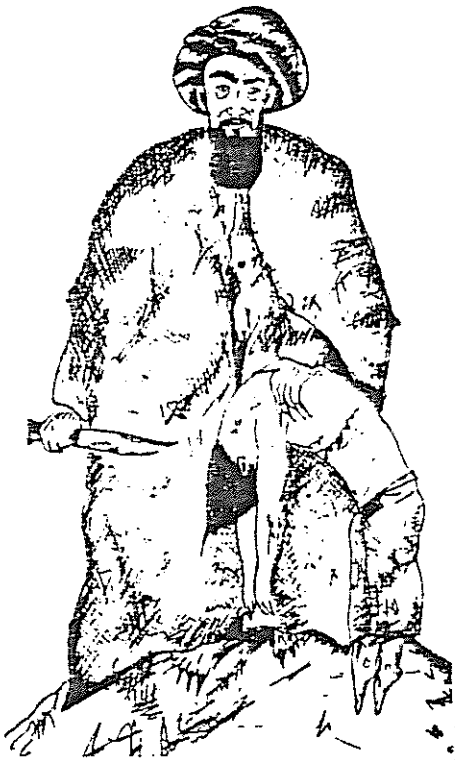
کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران به همت پیکار خستگی ناپذیر فرزندان راستین خلق ترکمن، در جهت تحقق آرزوی دیرینه شاعر و تشکیل حکومت

خود مختار شورائی در ترکمنستان ایران،
علیرغم وجود هزاران مانع و رادع لحظه‌ای
از مبارزه باز نخواهد ایستاد.

○ ○ ○

سیستم حقوقی...

مقولات غریبه‌ای بیشتر نیستند.
اکنون بیش از ۸ سال است که حکام شرع رژیم ولایت فقیه با سرکشیست‌انسان بازی می‌کنند و سیستم حقوقی جمهوری اسلامی که بر اساس اینتیرسیون اسلامی، حمیت استوار است، محققان فضا می‌شوند. این سیستم حقوقی کوچکترین ارتیاضی با تاریخ کهنساز، فرهنگ غنی و نرم‌های جا افتاده خلق‌های ایران ندارد. سیستم حقوقی حاکم در جامعه ما چیزی جز موازین حقوقی اعراب بدوی عربستان ۱۴۰۰ سال پیش نیست. این سیستم حتی در بسیاری موارد مشابهت‌هایی با حقوق سومریان ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد و حقوق روم ۴۰۰ سال قبل از میلاد دارد.



بررسی آثار ماغتیم قوئی پراغی

روح و وحدت طلبی، آزادی و استقلال در آثار ماغتیم قوئی

(استدود)

ماغتیم قوئی وحدت و طابع بزرگ ترکمن یعنی بیعت و گنگان را اولین قدم حیاتی جهت مقابله با استبداد جسم استبداد خلق ترکمن میدانست. او با بسوسا و حساسیت خاص مسائل این دو صاعقه را دنبال میکرد. اتحاد آنها و کسب پیرویهای مشترکشان شاعر را حشود ترفه پر و پائی بوی میداد. پرهش ایجاد تفرقه بین این دو طایفه و متعاقب آن راه افتادن برادر رکنی و به اسارت گرفتن سدیک را از سخت ترین لحظات زندگی شاعر بشمار میآید. ماغتیم قوئی نه فقط آرزوی وحدت بیعتها و گنگانها را در دل می پروراند، بلکه به ضرورت وحدت دیگر صوایف، جهت پیش بردن مبارزات رهایی بخش و استقلال طلبانه ترکمنها و دست یافتن به پیروزی نهائی پی برده بود.

شاعر بخوبی درک میکرد که اگر اتحاد پایداری بین بیعتها و گنگانها برقرار نماند و دیگر طوایف نیز از آنها تانس میگردند، پیورش مداوم خانهای خیره امیران بخارا و ارتش ایران قابل دفع خواهد بود.

تده سالش پیورش استه یه قاربان

یاغی نینگ ناماردی، مردی بیلینمز.

و یا:

تده، یرموت، یازیر، گنگنگ، آخال ایلی بیر

بولوپ

فتلا بیر جایغایزیر، آجیلار گول لانه سی.

آلتلی قزلباسی بارسینی آندی، داغ آرقسینا

کیچه - سا با یا تاییر، گنر اولارینگ نالاسی.

کم نیستند اشعاری که شاعر با این

مضمون سروده است.

ماغتیم قوئی در اشعار خود اغلب به

مقولاتی چون پایمردی و از خود گذشتگی

مبارزان پرداخته است.

شاعر نهرماناسی را که در برابر یورشهای مداوم متجاوزین ایستادگی کرده و خلق خود را در مبارزه علیه این جیا و گنگران رهبری نموده تا پای جان از مرز و بوم و خلق خویش دفاع کرده اند ستوده است. اتفاقی نیست که جمله این راد مردان در حنازل اشعار شاعر همواره می درجند:

بییت اوتیر یورت اوستونده،
خاسین بریب آر اوستونده،
قوی بیگیت لر ایل اوستونده،
نایس بیین آر برگدیر.

ماغتیم قوئی در مقابل، کومه بینی کاسی، را که به تبحر ارجح شدن منافع شخصی و آزمندی های فردی بر منافع عمومی و کسار کشید نشان در آرزوی بیکار را ملامت کرده، آنان را سزاوار داغ تنگ می داند:

موخان نسیند بولماز نایسی - آتلی

بیرساواش گونونده، ایله مز چنگی

آغا - بگنر، موخان نسینگ ان مؤنگی

مرت احلیننگ آتلی یوزونه دگمزر.

سراسر قرن ۱۸ و نیمه اول قرن ۱۹ میلادی،

ترکمنستان جنوبی شاهد هجوم بی وقته

حکومت ایران و خان های خویه و بخارا

بود. بویژه ساکنان کنارهای رود های گرگان

و اشترک از غارت و چپاول ارتش ایران

نحظهای در امان نبودند. در این رابطه

است که شاعر با درد و رنج به یورشهای

خونین ارتش ایران اشاره کرده می گوید:

داعدان آتیب قیزلبانینگ، آرداسی

کوزل ایلم ویران قلدی نیلایین.

ماغتیم قوئی سرچشمه دردناک خلق ترکمن

در آن دوره را با کلمات فوق خیلی گویا

ترسیم کرده است. مداوم جنگهای خونین،

چپاول و غارتگری بی وقته، زندگی عادی

را از خلق ترکمن سلب کرده بود. در چنین

شرایطی است که شاعر خطاب به خلق

خویش میگوید:

بیراسی یوز توتار تورتس ایلینه

دوشمان قول، اورما سین قزیرل گولونه،

دوستلار، بیزی آخیرتنگ سینه

فارق امانکا آقب قزیرسین ایملی (ابدی)

در آثار ماغتیم قوئی به اسامی کسانی چون

جاود و رخان، کمال خان، اواش، آناخان،

آنانازار و غیره بر میخوریم، که متأسفانه در

بررسی اسناد تاریخی مرصه به آن دوره

نشانی از آنها یافت نمیشود. قدر مسلم

این افراد از نزدیک و همزمان شاعر

بوده اند نه صرفاً بیوه خرد در راه

آزادی و رهائی خلق خویش، زیرا شاعر

در اشعار خود این راد مردان را "بیغین

گوزرکی و یا ووز گونوتینگ توزه سی" و جاود

دور خان را "گونگوز دیرگی" خطاب میکند:

گنه بیلمز ایملی (بیلمزدی) باد بندان

دوشمان

کلن تایدی گیتی زوروندان دوشمان

در اینجا شاعر به سفر جاود و رخان اشاره

میکند که جهت انجام مأموریت تاریخی به

نماینده گی خلق ترکمن به همراه تنی چند

از یاران عازم افغانستان شده بود. ماغتیم

قوئی پس از کسب خبر کشته شدن جاود و ر

خان و یاران، بدست جاسوسان حکومت

ایران، با درد و اندوه میگوید:

یوموت، گنگنگ، یولا جغتیب، بافتنستب

اومیت آندی ایل لر، آمان، چوود و رخان

مردم ستندیده ترکمن که با نگاههای پسر

امید خود جاود و رخان و یاران، را بسوی

افغانستان بدرقه کرده و آرزوی "آمان

ساع قاید بپ گلیتک" آنها را داشتند، با

در یافت خیر ناگوار، جامه سیامیر تن کرده

عزای عمومی اعلام میکنند. "قارا گیبیب،

قان بیغلاشان دیغینی . . ."

از طریق مطالعه آثار شاعر میتوان

تشخیص داد که خلق ترکمن در مصاف با

بقیه در صفحه ۱۱

زنده باد آزادی

تاریخچه ...

سدن نفت. این طرح، بجز اجرای ناقص آن در منطقه بین بندر ترکمن و آق قلا (۳)، تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ متوقف گردید. در منطقه بندر ترکمن و آق قلابه دهقانان ۲ تا ۱۵ هکتار و به متغذین محلی ۲۰۰ تا ۳۰۰ هکتار زمین واگذار شد. بقیه زمینها که در مالکیت مردم بوده زمینهای مازاد معروف شد. زمینهای مازاد بحشر عمده زمینهای ترکمنستان ایران را در بر می گرفت.

تحولاتی که در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۱ در عرصه مالکیت زمین بوجود آمد، و تیز یورش مداوم زاندارم ها به روستاها که امنیت زمینداری را به مخاطره انداخته بود از سویی و گسترش روابط کالایی - یولی در این منطقه به همراه تشدید روند فرمایشی زمینداری عمومی و جایگزینی آن بوسیله مالکیت خصوصی افراد بر زمین از سویی دیگر، موجبات خرید و فروش زمین را، برغم سنت حاکم تا آن زمان فراهم میکند. با آغاز خرید و فروش زمین و ورود ماشین آلات مدرن کشاورزی به منطقه و تقسیم اراضی، ترکمنستان ایران به سرعت به عرصه فعالیت سرمایه داری تبدیل میشود. در ترکمنستان ایران، تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زمینهای زراعی بر سه نوع بوده اند:

(۱) اراضی ای که در سال ۱۳۲۹ بعنوان زمینهای مازاد اعلام شده بودند. این اراضی بخش وسیعی از ترکمنستان ایران را در بر میگرفت.

(۲) زمینهایی که از سالهای ۲۲ - ۱۳۲۱ به گروهی از افراد محلی و طوایف و یا اشخاص، متغذ محلی واگذار شده بودند. این زمینها به اراضی استرداد می معروف شده بودند.

(۳) اراضی ای که در جریان فروش و تقسیم "املاک پهلوی" در سال ۱۳۲۹ بفروش رسیده و صاحبان آنها از سند مالکیت

بر حوردار شده بودند.

ادامه دارد

زیر نویسها:

(۱) زمینهای خانصمه زمینهایی گفته میشود که در دوره سلطنت نادر شاه از طرف دولت نصب و در رقبات نادری ثبت شده بود. زمینهای خالصه بوسیله دیوان و سا حکام محلی اداره شده و عموماً آن جمع آوری گسردیده جزو درآمد عمومی محسوب می شد. در دوره قاجاریه بخش عمده

این زمینها یا بفروخته رسید و یا به تنگ افراد مختلف درآمد. در زمان سلطنت رضا شاه و محمد رضا شاه زمینهای خانصمه از حیثه رقبات نادری خارج شده بصورت "املاک خالصه" پهلوی درآمد. از آنجا که در ترکمنستان ایران هرگز زمین خالصه ای وجود نداشته تا تحت عنوان املاک خالصه اعلام و یا با این دستاویز از دهقانان سلب مالکیت شود، لذا زمین هایی که در نتیجه عقب نشینی دریا بوجود آمده بود، جزو املاک خالصه اعلام گردید.

(۲) بعلمت عدم وجود روابط فئودالی در ترکمنستان ایران و نیز نبود سند و بنجاح با حد و مرز مشخص، حقوق هر طایفه یا دهقان بر زمین، تنها بلحاظ تعلق سنتی این قبیل زمینها و کاری که طی سالیان دراز توسط دهقانان بر روی آنها انجام گرفته، تعیین میشد.

(۳) رضا شاه بهنگام فرار از ایران، در حین توقف کوتاه خود در اصفهان، فرزندان خود محمد رضا پهلوی را در سندی که به همه نامه اصفهان معروف شد، بعنوان جانشین خویش اعلام کرده و کلیه امواک شخصی خود را، که زمینهای ضعیف ترکمنستان نیز بخشی از آنها بود، به او منتقل کرد.

(۴) ترکمنستان ایران را بلحاظ مرغوبیت خاک آن به سه ناحیه میتوان تقسیم کرد:

۱- زمینهایی که در مجاورت دریا قرار دارند (منطقه بین دریای خزر و آق قلا)،

۲- مرغوبترین و وسیعترین زمینهای ترکمنستان ایران در منطقه بین ماراوادپه و آق قلا قرار دارد،

۳- منطقه بین ماراوادپه تا کوههای بجنورد منطقه ای کوهستانی و دارای تپه قله ها هو است. این منطقه برای کشت سیب و مگانه مناسب نیست. عمدتاً نیز بصورت مراتع و باغداری مورد بهره برداری قرار می گیرد.

گیدیلینگ

گیدیلینگ دورماپلینگ منزیل اوزاقدتر، دیدارینا شول سولگینی کونشینگ، کچه لر قیسقالیب گونلر اوزایدتر، سیز تونی حاسر قیسقالتماغا جالیشتینگ.

چکینمان شیریدن دنیاپینگ، شرمندلنگ شوم نیتین پاش ادینگ، آل قاتا بولالان سؤوش میدانینگ، جوشینشینه ایل آرزوین یا شادینگ.

آیدیم آیدیب موقام جادیس بیلن، ترس تالینگ تلسیمینی دووینگ سیز، قازال اوقاپ شغشر باداسی بیلن، دورموش آیناسینینگ گردین یووینگ سیز.

بای - بای گرچک لریم عاینی وقتینگیز، مؤوج اوربار کوزلرده یا شلیق جوشغینی، یول لار یالی اوزاق بولسین عمرینگیز، سیزی آپارماسین آجال داشغینی.

یؤرک لرمیز بیردیر، سوگیمیز تآکیدیر، بیز بیرک بیرگینگ آیناسی آسئل، سیزه همراه بولسام آرماییم یوقدتر، آی واتان نامیسین قورایان نسل سانچار

آغاز سال تحصیلی جدید

دانش‌آموزان و بویژه دانشجویان در حیات سیاسی میهنان همیشه نقش شایسته‌ای داشته‌اند. در دوره سلطه رژیم پهلوی و در شرایطی که ایران برای امپریالیسم حکم "جزیرهٔ ثبات" را داشت، دانشگاهها و مدارس یکی از مراکز خروش معانیت‌های سیاسی علیه رژیم شایع بودند. بسیاری از معالین و رهبران جنبش انقلابی و مترقی ایران و ترکمنستان ایران از درون همین مراکز سیاسی فعال برخاسته‌اند. نقش مؤثر دانش‌آموزان و دانشجویان و معلمان مبارز ترنمن در انقلاب و سپس در حکومت خود مختار شورائی ترکمنستان ایران مؤید این امر است.

رژیمهای ضد خلقی همیشه کبشیده‌اند با در اختیار گرفتن و کنترل مراکز آموزشی، از آنها جهت تبلیغ و ترویج ایدئولوژی و سیاست‌های ارتجاعی خود استفاده می‌نمایند. با وقوف به این امر است که بد جمهوری اسلامی مراکز آموزشی را به یکی از اهرمهای تحمیل ایدئولوژی ارتجاعی خود تبدیل کرده است. جمهوری اسلامی که به اهمیت و نقش دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمان در پیشبرد مبارزات خلق ترکمن در دوره قبل و بعد از انقلاب بخصوبی واقف است، برای تضعیف این نیروها و پراکندن نیروی مشترک آن کمر بسته است. ایجاد محدودیتهای رنگارنگ، اخراج و تسفیه آنها ادامه همین سیاست است. اکنون در منطقه اخراج معلمان بومی و جایگزینی معلمان غیربومی بجای آنان و اخراج دانشجویان ترکمن از مراکز آموزش عالی کشور، به یک پدیده عادی بدل شده است. در صد زیادی از زندانیان ترکمن در زندانهای رژیم معلمان دانشجویان و حتی دانش‌آموزان کم سن و سال تشکیل میدهند و اخراجیهایی که هنوز آزادند

بکارهای دستفروشی در کنار خیابانها و یا کار در مزارع و غیره مشغولند. تحمیل اجباری زبان فارسی و غیر قانونی کردن زبان ترکمنی در مدارس ترکمنستان ایران یکی از وجوه بارز ستم ملی بر خلق ترکمن است. سیاست شونیستی رژیم پهلوی که امحای زبان و فرهنگ خلق ترنمن را تعقیب میکرد، اکنون نیز با تمام قدرت از طرف جمهوری اسلامی در منطقه دنبال میشود. کودکانی که در سالهای هفتوز زبان مادری خود را بخصوبی فراموش کرده‌اند، مجبور به فراگیری زبان فارسی هستند. این حق صیعی دانش‌آموزان ترکمن است که تمامی مراکز تحصیلی را بزبان مادری خود طی نموده و در کنار آن زبان فارسی را به افتخار ما از کلاس چهارم دبستان - نیز فرا بگیرند. تحمیل یک زبان غریبه از همان ابتدا به کودکان خردسال موجبات عدم شکوفایی استعدادها، دلسردی و نهایتاً ترک تحصیل عده کثیری را فراهم میسازد. تامین مخارج تحصیلی نیز مشکلی دیگر از مشکلات عدیده دانش‌آموزان و دانشجویان ترکمن میباشد. آنها مجبورند برای تامین هزینه تحصیلی خود تن به کار در مزارع، صیادی و یا پادویی در مغازهها بس دهند.

امسال نیز سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز میشود که نه تنها تمامی معضلات فوق لاینحل باقی ماند، بلکه رژیم اسلامی قصد دارد مشکلات دیگری را نیز بر آنها بیافزاید. شرح دانشگاه در جبهه که مدتهاست توسط عمال رژیم پیاده شده، نمونه ای از اقدامات ضد علم و دانش حاکمیت فعلی است. مزید بر آن قرار است با آغاز سال تحصیلی جدید شرح پاسدار - دانش‌آموز نیز به مرحله اجرا در آید. طبق این طرح گسیل توده ای

دانش‌آموزان به جبهه بی بازگشت جنگ، صورت قانونی بخود میگیرد. دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمان مبارز همچنانکه تاکنون تن به هیچ طرح ارتجاعی نداده و در برابر سیره های ضد مردمی استاده‌اند، از این پرنسسیز حستقو نایدیر به پیکار خود علیه ستم و ستم ادامه خواهد داد.

اعتراض با خودسوزی

روز یکشنبه ۲۹ سپتامبر، به هنگام برگزاری تظاهرات ایرانیان مقیم آمریکا جهت اعتراض به حضور سید علی خامنه ای، رئیس جمهوری رژیم خمینی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، نیوشا فرهی هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، خود را به آتش کشید. او با دست زدن به خودسوزی و تن دادن به مرگی جانگداز، افکار عمومی جهان را متوجه اوضاع دردناک ایران ساخت. کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن به خانواده نیوشا فرهی و همه همزمان وی تسلیت میگوید.

آدرس در خارج از کشور

PLK
Nr. 117009 C
5000 KÖLN I
WEST-GERMANY